

بسم الله الرحمن الرحيم

نمودار تفصیلی احکام

## تخفیف همزه

منبع اصلی: شرح النّظام علی الشافیه / شرح کمال

## تخفيف الهمزة

**نکته ۱)** تخفيف همزه، در قریش و اکثر حجازیین، به خاطر ثقلتش (أقصى الحلق، ادخل الحروف، نبرة:

ارتفاع الصوت، النبرة: رفع)، شائع است، اما ترک تخفيف همزه، در لغت بنی تمیم و قیس دیده شده است. جمع بندی ما از کلیت اقوام عرب این است که تخفيف همزه عمدتاً، جوازی است مگر مواردی که تصریح به وجوبی بودن آن شده است و ظاهراً همه قبائل همزه را در آن مواضع خاص، تخفيف کرده اند. از امام علی علیه السلام، روایت شده است که قرآن، به لسان قوم قریش نازل شده و آنها اهل نبر نبودند، اما همزه در قرآن وجود دارد که ما اگر چنین نزولی رخ نمی داد، هرگز اهل ادا کردن همزه (به خاطر ثقلتش) نبودیم (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۴).

**نکته ۲)** همزه ای که ابتدای کلام (نه کلمه) می آید، هیچگاه تخفيف نمی شود ولو شرایطش را داشته باشد. دلیل این امر آن است که در ابتدای کلام، قوت و تازه نفسی متکلم موجب می شود، ثقلت همزه را به حساب نیاورد. اما ابتدای کلمه، می تواند حذف شود: قد أفلح (قَدْ فَلَاحَ).

**نکته ۳)** همزه ساکن اثقل از همزه متحرک است چون خود تحرک موجب تسهیل و تخفيف است. همچنین ثقلت دو همزه خیلی بالاتر از یک همزه است.

قال أبو نصر الفارابي<sup>(۱)</sup> في أول كتابه المسمى (بالألفاظ والحروف): «كانت قریش أجود العرب انتقاءً للأفصح من الألفاظ، وأسهلها على اللسان عند النطق، وأحسنها مسموعاً وإبانةً عما في النفس، والذين عنهم نقلت اللغة العربية، وبهم أفتدي، وعنهم أخذ اللسان العربي من بين قبائل العرب، هم قيس وتميم وأسَد؛ فإن هؤلاء هم الذين عنهم أكثر ما أخذ ومعظمه، وعليهم أَكْبَلُ في الغريب وفي الإعراب والتصريف، ثم هذيل وبعض كِنانة، وبعض الطائيين، ولم يؤخذ عن غيرهم من سائر قبائلهم.

کلیه حقوق مادی و معنوی این جزوه، مخصوص سایت میراث علمی سلف است و استفاده از آن، منوط به ثبت نام در کارگاه است

- بین بین (اصل = کمترین تغییر)

○ مشهور: همزه بین صدای خاص خودش و بین حرفی که متناسب با حرکتش است، تلفظ می شود: سُئِلَ (بین الهمزة و الیاء که متناسب با کسره است) و هکذا (مناسب فتحه الف است و مناسب واو، ضمّه است)

○ غیر مشهور: همزه بین خودش و بین حرف متناسب با حرکت قبلش تلفظ می شود: سُئِلَ (بین همزه و واو تلفظ شود)

**تنبیه:** همزه بین بین، خیلی نزدیک ساکن است، لذا جاری مجرای سکون است. دلیل دیگری که همزه، در ابتدای کلام حذف نمی شود، آن است که در ابتدای کلام که بین بین غیر مشهور جواب نمی دهد. بین بین مشهور نیز ما را به ساکن می رساند، بنابراین تن دادن به بین بین، برای ما ممکن نیست. اصل در تخفیف هم بین بین است. لذا ابدال و حذف هم که در مراتب بعدی هستند، جاری نمی شوند (به تبعیت از اصل خودش) پس تخفیف همزه در ابتدای کلام، وجود ندارد).

- ابدال (مرتبه دوم = تغییر متوسط)

- حذف (مرتبه سوم = تغییر شدید)

### • تک همزه

#### ○ همزه ساکن

▪ ابدال به حرف حرکت ما قبل می شود (جوازا)

- در یک کلمه: رأس: راس / سُوتُ: سوت / لم يُقَرَّ: لم یقری (یاء حذف نمی شود) / شُوم: شوم / قرأتُ: قراتُ / جئتُ: جیتُ / بئر: بیر / لم یقرأ: لم یقرا / لم یردو: لم یردو /
- در دو کلمه: یقولُ ائذن لی (همزه وصل=عدم، همزه): یقولوذن لی / الذی أئتمنَ: الذیتمن / إلی الهدی إئتنا: إلی الهداتنا.

#### ○ همزه متحرک

▪ قبلش ساکن است

- ساکن، یاء / واو زائده البته برای غیر الحاق است: همزه به حرف ساکن (یاء/واو) ابدال می شود (چون در صفت جهر باهم مشترکند) و سپس ادغام صورت می گیرد (جوازی): خطیئة: خطیة: خطیة/مقروءة: مقرووءة/مقروءة/أفیئس: أفییس / نبی: نبی / نبی: نبی / بریئة: بریة / نبوءة: نبوءة و بعضا هم سماع، ادغام نکرده است: نسیء، بریء، مبدوء، مخبوء، مقروء، منزوء به

• ساکن، الف است: بین بین با قرائت مشهور (جوازی): قرائة (بین همزه و الف

تلفظ می شود) / تساؤل (بین همزه و واو تلفظ می شود) و گویی به سکون

نزدیک می شود و التقاء ساکنین، معفو عنه است / سائل (بین همزه و یاء) /

الف جمع (مورد خاص): م ط و؛ مطیة (مطیوة): جمع: مطایو: مطائو: مطائی

(همزه تبدیل به یاء مفتوح می شود و یاء آخر هم تبدیل به الف می شود:

مطایا / بقیة: جمع: بقایا.

• ساکن، حرف صحیح، یا واو و یاء اصلی یا برای الحاق است: حرکت همزه به

قبل نقل داده می شود و حذف می شود:

○ جوازی:

▪ علی السویه: مسألة: مَسْأَلَةٌ / الخَبُّ: الخَبُّ / الخَبُّ: الخَبُّ /

يَخْبُ: يَخْبُ. شَيْءٌ: شَيْءٌ / بَشِيءٌ: بَشِيءٌ / السَّوُّ: السَّوُّ / جِيَالٌ

(یاء برای الحاق به وزن جعفر): جَيْلٌ، که به این فرآیند حذف

با وجود ما یدلّ (حرکت منتقل شده) گفته می شود. نکته: اگر

همین ساکن در کلمه قبلی هم باشد، حکم ما، حذف خواهد

بود: أَبُو أَيُّوبَ: أَبُو يُوْبَ / ذُو أَمْرِهِم: ذُو مَرِهِم. إِبْتِغَى أَمْرَهُ:

إِبْتِغَى مَرَهُ / قاضو أَيْبِك: قاضوَيْبِك / من أبوك؟: مَنبُوك؟

من أَمِّك؟: مَنَّمْک / کم إِبْلُک؟ کمِبْلُک؟ / قَاتِلُو أَمِّک:

قَاتِلُو مَمِّک / همچنین در مواردی که واو و یاء اصلی باشند

(که قبل از همزه هم هستند)، می توان همزه را قلب به واو یا

یاء ماقبل، و ادغام کرد: شیءٌ، سوٌّ.

يَنأَى : يَنَى / اَنأَى: اَنَى / يُنئِي: يُنِي

■ غالبی (فعل امر س أ ل): إِسأل: سل که حذف دو همزه وصل

و همزه اصل رخ داده است که دلیلش، کثرت استعمال است،

اما در إِجَار، این کثرت حذف به دلیل قلت استعمال، رخ نداده

است گرچه جوازی است: إِجَر (حرکت همزه دوم به ماقبل

داده میشه و همزه حذف میشه) اما همزه وصل دیگه حذف

نمیشه چون کثیراً نقل داده نشده است، پس نمیشه: جَر، جَرَا،

جروا، ...).

○ وجوبی: رأی: ۱: یَرَأَى: یری /أَرَأَى: أری / یُرِئُی: یُری

چرا وجوب؟ به دلیل کثرت استعمال، عرب همزه را برداشته است.

■ قبلش متحرک است (فرقی ندارد که در یک کلمه باشد یا دو کلمه):

● همزه مفتوح

○ ماقبل مفتوح: بین بین مشهور: سأل (جوازا) / مرحوم رضی: گاه به

صورت سماعی، چنین همزه‌ای تبدیل به الف می شود: سال<sup>۲</sup>.

○ ماقبل مضموم: مُؤَجِّل: مَوْجَل، یَوْمَ: یَوْمٌ، جَرُّو: جَرُّو (جوازا قلب به

واو) بین بین امکان وقوعی ندارد که دلیل آن اینجا ذکر نمی شود.

○ ماقبل مکسور: مائة: مِیة / ذئاب: ذِیاب، بَرِئ: بَرِئ (جوازا قلب به یاء)

بین بین امکان وقوعی ندارد که دلیل آن اینجا ذکر نمی شود.

۱. رأی: الرَّؤِیة بِالْعَیْنِ تَتَعَدَّى إِلَى مَفْعُولٍ وَاحِدٍ، وَ بِمَعْنَى الْعِلْمِ تَتَعَدَّى إِلَى مَفْعُولَيْنِ؛ یقال: رَأَى زَيْدًا عَالِمًا وَ رَأَى رَأًیًّا وَ رُؤِیَّةً وَ رَءَاةً مِثْلَ رَءَاةٍ. قال ابن سیده: الرَّؤِیَّةُ النَّظَرُ بِالْعَیْنِ وَ الْقَلْبِ... فَإِنَّ الْعَرَبَ لَا تَقُولُ ذَلِكَ بِالْهَمْزِ أَوْ أَنَّهَا لَا تَقُولُ أَرَأَى وَ لَا یَرَأَى وَ لَا نَرَأَى وَ لَا تَرَأَى، ... وَ كَأَنَّهُمْ إِنَّمَا فَرَوْا مِنَ التَّقَاءِ هَمْزَتَيْنِ، وَ إِنْ كَانَ بَيْنَهُمَا حَرْفٌ سَاكِنٌ، وَ هِيَ الرَّاءُ، ثُمَّ اتَّبَعُوهَا سَائِرُ حُرُوفِ الْمُضَارَعَةِ فَقَالُوا یَرِی وَ تَرِی وَ تَرَى كَمَا قَالُوا أَرِی... قال: وَ یَعْضُهُمْ یَحَقِّقُهُ فِیْقُولُ، وَ هُوَ قَلِيلٌ، زَيْدٌ یَرَأَى ... ، فَإِذَا جِئْتَ إِلَى الْأَمْرِ فَإِنَّ أَهْلَ الْحِجَازِ یَتَرَكُونَ الْهَمْزَ فِیْقُولُونَ: رَ، وَ لِلإِثْنَيْنِ: رِیَا، وَ لِلْجَمَاعَةِ: رَوَا وَ لِلْمَرْأَةِ: رِیَ، وَ لِلإِثْنَيْنِ كَالرَّجُلَيْنِ، وَ لِلْجَمْعِ: رِینَ، وَ بَنُو تَمِیمٍ یَهْمِزُونَ جَمِیعَ ذَلِكَ فِیْقُولُونَ: ارَأَ وَ ارَأِیَا وَ ارَأِینَ وَ...  
رَ رِیَا رَوَا رِی رِیَا رِینَ

إِرَأَ إِرَأِیَا إِرَأُوا إِرَأِی إِرَأِیَا إِرَأِینَ (لسان العرب)

مضارع باب إفعال: أری أریا ... / یری یریان ... مصدر: إراءة، إرایة، إراءة

کمال: أثبتوا الهمزة الساكن ما قبلها في: أسماء المفعول، الزمان و المكان، و الآلة، فقالوا: المرئي (المرئوي)، و المرأى، و المرأة، فلعلها ليست في مرتبة نظائرها من التصارييف في الكثرة (پس مانعی برای وجود همزه نیست)، و جاء: الأمر الحاضر منه أيضا بالاثبات، نحو: إرأ، كما جاء- ره- بالحذف.

۲. در مضارع این ماده (س أ ل)، یسال (قلب به الف) هم جائز است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این جزوه، مخصوص سایت میراث علمی سلف است و استفاده از آن، منوط به ثبت نام در کارگاه است

● همزه مضموم

- ماقبل مفتوح: بین بین مشهور: رؤوف
- ماقبل مضموم: بین بین مشهور: رؤوس / مرحوم رضی: گاه به صورت سماعی، چنین همزه‌ای تبدیل به واو می شود: رؤوس.
- ماقبل مکسور:

- سیبویه و مشهور: بین بین مشهور: مستهزئون
- برخی: بین بین غیر مشهور
- اخفش: قلب به حرف متناسب قبلی: مستهزیون

● همزه مکسور

- ماقبل مفتوح: بین بین مشهور: سئم
- ماقبل مضموم
- سیبویه و مشهور: بین بین مشهور: سئل
- برخی: بین بین غیر مشهور
- اخفش: قلب به حرف متناسب قبلی: سؤل
- ماقبل مکسور: بین بین مشهور: مستهزئین / مرحوم رضی: گاه به صورت سماعی، چنین همزه‌ای تبدیل به یاء می شود: مستهزیین.

## ● دو همزه

○ هر دو در یک کلمه

■ دومین همزه ساکن (قلب و جوبی همزه دوم به حرفی که با جنس حرکت ماقبل، یکی

است). این قلب به این دلیل اتفاق می افتد که دو همزه کنار هم خصوصاً وقتی که

دومی ساکن است، بسیار ثقیل التَّلَفُّظ است.

● أَدَم: أَدَم: آدَمْ (آ = أ) / أَاخِر: آخِر / أَاْمُرُ: آمُرُ (صیغه ۱۳) / أَاَجِر: آجِر.

● إِيْت: ایت / إِيْمَان: ایمان /

● أَيْتَمِن: اوتمن / أُوْمِن: اومن / أُوْمِر: اوْمِر.

■ دومین همزه متحرک

● همزه ماقبل ساکن

---

۱. به معنای گندمگون یا آنچه ظاهر است: آدم أَدَم (أَفْعَل فعلاء).

۲. فعل امر از ماده أَخَذ: أَخْذْ: دقت کنیم که همزه دوم اگر قرار بر تخفیف قیاسی بود، باید أُوْخَذْ شود، اما عرب، همزه دوم را بنابر غیر قیاس، حذف کرده است، و وقتی خاء متحرک است، دیگر همزه وصل را هم انداخته است: خذ، خذا، خذوا، خذی، خذا، خذْ. فعل أكل هم دقیقاً مانند أَخَذ، است: كَلْ، کلا، کلو، کلی، کلن. دلیل این عملکرد خاص نیز کثرت استعمال این هاست.

در مورد فعل با ماده أ م ر نیز، همین عملکرد هست اما دیگر حذف وجوبی نیست چراکه کثرت استعمال آن کمتر است:

مَر / مرا / مرو / مری / مرا / مرن (افصح)

اوْمَر / اوْمرا / اوْمروا / اوْمری / اوْمرا / اوْمورن (فصیح)

نکته: اگر واو یا فاء قبل از فعل امر بیاید دو صورت قابل فرض است:

● و (ف) + مَر: مَرَّ / مَرَّمَر

● و (ف) + أَمَر: همزه وصل در حقیقت خوانده نمیشود، پس دیگه ما فقط همزه دوم را تلفظ می کنیم، لذا دیگر تبدیل به واو نمی شود، پس میخوانیم: وَأَمَر، فَأَمَر.

کلیه حقوق مادی و معنوی این جزوه، مخصوص سایت میراث علمی سلف است و استفاده از آن، منوط به ثبت نام در کارگاه است

○ همزه دوم لام الفعل نیست: ادغام می شود: سَأَل: سَأَل (ادغام نوعی از تخفیف ایجاد می کند).

○ همزه دوم لام الفعل هست: قلب به یاء می شود: قَرَأَ: قَرَأَ (ضمه بر یاء ثقیل نیست چون شبه صحیح است: ظَبْیٌ). دلیل عدم ادغام دو همزه، در کتب مفصل تر آمده که نیازی به طرح آن، نیست).

#### ● همزه ماقبل متحرک

○ اگر همزه اول یا دوم مکسور باشد، دومی وجوباً قلب به یاء می شود:

الجائی (ج ی ا): الجائی (تبدیل عین الفعل به همزه که در باب ابدال

خواهیم خواند): الجائی / جایی: جائی: جائی: جاء (در حالت رفعی و

جری، ولی در حالت نصبی: جائیاً) / خطائی (جمع خطیئة): خطائی:

خطائی: خطایا / ائمة: ائمة: ائمة (البته ائمة نیز مانعی ندارد و

عرب استعمال کرده است؛ یعنی قاعده وجوبی زیر سؤال نمی رود،

چراکه ما با چند مثال محدود، از قیاس وجوبی خارج نمی شویم).

○ در غیر این صورت، همزه دوم وجوباً قلب به واو می شود: أُیْدِم:

أویدم / آآدم (جمع آدم): آآدم: أودم / أوب: أوب /

در صیغه ۱۳ مضارع مهموز الفاء، عدم قلب هم شنیده شده است: أم

م: أوم یا أوم / أواخذ یا أواخذ / این: این (باب افعال).

ریشه ا م م (وزن أفعَل): أَمَم: أَمَم: أوم.

## ○ در دو کلمه

### ■ هر دو همزه متحرک

- جائز است که هر دو همزه بدون هیچ تغییری تلفظ شوند. دلیلش این است که گفتن دو همزه در دو کلمه، تحمل می‌شود (گویی که دو نفر، دو بار سنگین را حمل کنند) و لذا تکلم، ساده تر می‌شود. البته اگر هر دو همزه متفق الحركة باشند، جائز است یکی از همزه ها به طور کلی حذف شود، یا دومی، قلب به جنس حرکت ماقبلش شود<sup>۱</sup>.

- جائز است که هر دو همزه تخفیف شوند (حجازیون).

○ همزه اول: دقیقاً مثل آنجایی که یک همزه داریم و ماقبلش حرکت

دارد: قارئِ اَبیک (همزه اول تبدیل به یاء)

○ همزه دوم:

■ راه اول: بنابر فرض اینکه قبلش همزه است و از قاعده دو

همزه متحرک در یک کلمه استفاده می‌کنیم: وَبیک (أوادم)

■ راه دوم: بنابر فرض اینکه قبلش همزه نیست، پس دقیقاً مثل

آنجایی که یک همزه داریم و ماقبلش حرکت دارد، عمل

می‌کنیم: بین بین (سأل).

- جائز است که یک همزه تخفیف شود

---

۱. فقد جاءَ أشراطها: جاءَ شَراطها/أولياءَ أولئك: أولياءَ لئلك/السماء إلى الأرض: السماء لِلأرض (برخی اولی را و برخی دومی را محذوف در نظر می‌گیرند و لی در نتیجه، تفاوتی نمی‌کند.

فقد جاءَ أشراطها: قلب دومی به الف /أولياءَ أولئك: قلب دومی به واو/السماء إلى الأرض: قلب دومی به یاء.

کلیه حقوق مادی و معنوی این جزوه، مخصوص سایت میراث علمی سلف است و استفاده از آن، منوط به ثبت نام در کارگاه است

○ فقط همزه اول تخفیف شود: مانند قاعده یک همزه منفرد عمل شود:

○ فقط همزه دوم تخفیف شود: در این صورت با صور نه گانه روبرو

خواهیم شد چون همزه اول را به منزله غیر همزه در نظر می گیریم.

### همزه استفهام + همزه وصل

● همزه وصل مکسور یا مضموم: حذف دومی، قلب به الف، بین بین مشهور: أَصْطَفَى: أَصْطَفَى،

أَصْطَفَى: أَصْطَفَى

● همزه وصل مفتوح: قلب دومی به الف یا بین بین مشهور: أَلْحَسَن: أَلْحَسَن، أَلْآن: أَلْآن.

● برای دیدن جزئیات بیشتر در مورد احکام تخفیف همزه و برخی موارد خاص اشاره نشده، می توانید

به منابع زیر مراجعه کنید:

○ شرح النظام على الشافية

○ شرح کمال بر شافیه

○ شرح رضی بر شافیه

○ مجموعة الشافية

کلیه حقوق مادی و معنوی این جزوه، مخصوص سایت میراث علمی سلف است و استفاده از آن، منوط به ثبت نام در کارگاه است

<http://emirath.ir>